## ۹ داوطلبان در میهمانی خدا

### لذت‌های اسارت در ماه مبارک رمضان

آزاده اکبرشوخ‌چشم|

در ماه مبارک رمضان مشکلات آزادگان چندین برابر می‌شد و تحمل مشکلات این دوران جز در سایه لطف الهی میسر نمی‌شد. عراقی‌ها به روزه گرفتن ما اعتقادی نداشتند و به همین دلیل غذای ما را طبق روال همیشگی در ساعت‌های مقرر توزیع می‌کردند. عراقی‌ها هیچ گونه تغییری در وضع غذایی آزادگان در ماه مبارک رمضان نمی‌دادند و مطابق روال معمول همیشگی اقدام به توزیع غذا می‌کردند. بچه‌ها مجبور بودند غذا را ساعت‌ها در خارج از یخچال و در فضای گرم آسایشگاه برای افطاری و سحری نگهداری کنند. از طرف دیگر مقدار غذایی که به آزادگان می‌دادند، آن قدر کم بود که پاسخگوی یک وعده غذایی آنها نبود؛ چه برسد به این که با آن روزه بگیرند.

این غذاها که از ظهر تا هنگام اذان مغرب و از عصر تا اذان صبح در آسایشگاه می‌ماند، در بیشتر مواقع فاسد می‌شد و با خوردن آن بیشتر بچه به بیماری‌های روده‌ای و اسهال مبتلا می‌شدند؛ اسهال شدید بچه‌ها از یک طرف و نبودن دستشویی در آسایشگاه درد و رنج مضاعفی را به آنان تحمیل می‌کرد و از طرف دیگر آنان نگرانی طهارت و آمادشدن برای ماه رمضان را داشتند. ادعای کوچکی نیست که تنها بیماری که می‌توانست یک اسیر را از پا درآورد، اسهال بود، زیرا هم بدن بچه‌ها را ضعیف و بیمار می‌کرد و هم از نظر طهارت آنها را دچار مشکل می‌کرد.

در آن شرایط سخت و طاقت‌فرسا تصمیم‌گیری درخصوص ترک یک عمل مستحب یا واجب به آسانی تصمیماتی که افراد در آزادی می‌گیرند، نبود که خیلی راحت خودشان را توجیه می‌کنند که مثلا روزه بر من واجب نیست اما در اسارت خیلی کم می‌توانستی افرادی را پیدا کنی که حتی اعمال مستحبی را ترک کنند.

گرمای طاقت‌فرسای عراق در ماه رمضان نیز مشکل دیگری بود؛ تشنگی خیلی زود بر بچه‌ها مستولی می‌شد؛ بعضی اوقات آن قدر گرما شدید بود که بچه‌ها پیراهن‌های خود را بالا می‌زدند و شکم خود را روی موزاییک کف آسایشگاه می‌چسبانیدند تا شاید کمی خنک شود. بچه‌ها با حوله یکدیگر را باد می‌زدند و اگر کسی حالش خیلی بد می‌شد، چند نفری او را باد می‌زدند تا کمکی کرده باشند. هنگام شروع اذان نیز کسی چیزی نمی‌خورد تا اذان و نماز مغرب تمام شود. لازم است از لذت‌های اسارت به‌ویژه در ماه مبارک رمضان هم بگویم؛ هنگام نماز صبح و برای صرف سحری، بچه‌ها شور و شعف خاصی داشتند.

بچه‌ها از چند ماه قبل از شروع ماه مبارک رمضان شیرخشک، شکر و دیگر مواد غذایی مانند نان خشک را که می‌شد نگه داشت، ذخیره و هنگام ماه رمضان از آن استفاده می‌کردند. دعای سفره را همگی به نحوی که عراقی‌ها متوجه نشوند با شور خاصی می‌خواندند. قرائت دعاهای سحر و دیگر ادعیه ماه مبارک رمضان نیز حال و هوایی خاص داشت و لذتی فراموش نشدنی را به بچه‌ها می‌داد. در ماه مبارک رمضان فرصت قرائت قرآن خیلی کم بود؛ چون قرآن به تعداد کافی وجود نداشت و از طرفی همه می‌خواستند از قرائت کتاب الهی بهره‌مند شوند که به ناچار زمان استفاده از قرآن تقسیم‌بندی می‌شد. حفظ آیات و سوره‌های قرآن کریم در دوران اسارت دیدنی بود و خیلی از آزادگانی که اکنون حافظ کل قرآن هستند، عمده فعالیت خود را در ماه مبارک رمضان شروع کرده‌اند. شب‌های قدر حال عجیبی در آزادگان ایجاد می‌شد و بیشتر آنان تا نزدیکی سحر به راز و نیاز و اعمال مستحبی می‌پرداختند.

ماه مبارک رمضان برای خیلی از اسرا ماه خودسازی و تهذیب نفس هم بود. بیشتر بچه‌ها در این ایام با خود عهدهایی بسته و اجرا می‌کردند که بیان آنها در توان اینجانب نیست. فقط به یک مورد اشاره می‌کنم که یکی از بچه‌ها در ماه مبارک رمضان و قبل از ورود به آسایشگاه کفش‌های کتانی بچه‌ها را از گردوخاک تمیز می‌کرد و آنها را مرتب در جای خود قرار می‌داد و به این ترتیب سعی می‌کرد در ماه رمضان به دیگران خدمت کند و از طرفی با نفس خود مبارزه کرده باشد.

اثرات ماه مبارک رمضان تا مدت‌ها بین اسرا وجود داشت. در اسارت نه‌تنها به استقبال ماه مبارک رمضان می‌رفتیم بلکه بعد از اتمام ماه مبارک رمضان نیز به توصیه حضرت امام(ره) روزهای دوشنبه و پنجشنبه را نیز روزه می‌گرفتیم.

روزه‌گرفتن در صبر و مقاومت بچه‌ها نقش چشمگیری داشت. به‌حدی که حتی عراقی‌ها هم به این امر پی بردند و در ماه مبارک رمضان کمتر با بچه‌ها درگیر یا بهانه‌گیری می‌کردند. البته عراقی‌ها نسبت به قرائت قرآن با صدای آهسته و به‌صورت انفرادی حساسیتی نشان نمی‌دادند و در این مورد بچه‌ها می‌توانستند به قرائت قرآن بپردازند. برخی از آزادگان در ماه مبارک رمضان دست کم یکبار ختم قرآن می‌کردند و عده‌ای هم چندین‌بار تمام قرآن را تلاوت می‌کردند و علاوه‌بر این کلاس‌های مختلف احکام و اخلاق نیز برای آزادگان برگزار می‌شد.

در ایام ماه مبارک رمضان بچه‌ها بیشتر به ذکر و اعمال مستحبی مشغول بودند و کمتر وقت خود را به گفت‌وگو و دیگر مسائل سپری می‌کردند.

---

تحصیل در فرانسه، کشاورزی در مزارع برنج

# تمام سختی‌ها را به جان خریدیم!

**شیرین پارسی متولد سال ۱۳۳۴ و فارغ‌التحصیل رشته ادبیات فرانسه از کشور فرانسه است، او سال ۵۸ به همراه همسرش به کشور بازگشت و تصمیم گرفت به‌جای استخدام‌شدن در اداره‌ای دولتی به روستای زادگاه همسرش برود و در زمین‌های کشاورزی پدرشوهرش در منطقه شاندرمن استان گیلان که مدتی متروک شده بود، کشاورزی راه بیندازد و به کشت‌وکار بپردازد. سال‌های طولانی فعالیت خانم پارسی ثمر داد و او به‌عنوان مدیر نمونه کشاورزی استان گیلان در سال ۱۳۷۹، برنج کار نمونه استان گیلان در سال ۱۳۸۳ و منتخب برگزیده کار آفرینی در جشنواره کار آفرینی گیلان در سال ۱۳۸۳ انتخاب شد. شیرین پارسی هم‌اکنون رئیس هیات‌مدیره شرکت «نوکشت شالیکاران خزر» است و دو فرزند پسر دارد که هر دو مهندس کشاورزی هستند. در ادامه مصاحبه این بانوی کارآفرین را به نقل از مهر خانه می‌خوانیم:**

**خانم پارسی چه شد که پس از تحصیل در خارج از کشور تصمیم گرفتید زندگی شهری را با تمام امکاناتی که دارد، رها کنید و به روستا بروید و مشغول کشاورزی شوید؟**

انگیزه زیستن؛ چون من و شوهرم دوست نداشتیم کارمند دولت شویم. پدرشوهرم به‌عنوان اولین فارغ‌التحصیل رشته کشاورزی غرب کشور، کشاورزی آبا و اجدادی را مدیریت می‌کرد و زمین‌هایی داشت، اما این زمین‌ها سال‌ها رها شده بود. ما تصمیم گرفتیم دوباره به روستایی در بخش شاندرمن که املاک پدرشوهر من در آن‌جا بود برگردیم و کشاورزی را ادامه بدهیم. از آن‌جایی که پدرشوهرم سال‌ها بود کشاورزی را رها کرده، املاک او نیز به شکل نیمه‌مخروبه درآمده بود و پیشکار مدیریت آن‌جا را برعهده داشت. زمانی که ما به این روستا آمدیم، این جا نه جاده آسفالته داشت، نه آب لوله‌کشی و نه برق. ما حتی ماشین هم نداشتیم و از اموال کشاورزی هم تنها یک موتور کشاورزی شکسته این‌جا بود. ما زمین‌هایی داشتیم، اما کشاورزی را بلد نبودیم. من فکر کردم وقتی ما به دانشگاه رفته‌ایم، حتما از هوش متوسطی برخوردار هستیم و می‌توانیم کشاورزی را هم یادبگیریم. این که ما با انتخاب این کار ارباب و صاحب کار خودمان می‌شدیم، به‌نظرم بسیار ارزنده بود. درست است که شهر مزیت‌های زیادی دارد، اما خیلی چیزها هم ندارد و ما تصمیم گرفتیم آن‌چه را می‌خواهیم از ابتدا بسازیم. برای رسیدن به این مقصد هم بسیار تلاش و مبارزه کردیم و همه سختی‌ها را به جان خریدیم. زمانی که ما به روستا آمدیم، رفت‌وآمد به این جا بسیار سخت بود و ابزار کار کشاورزی مانند تراکتور و ... هم مثل امروز وجود نداشت.

**چون نفت نداشتیم در سرما ورزش می‌کردم تا گرم شوم**

آن موقع نفت در ایران سهمیه‌بندی بود و سرمای سختی هم بود. زمانی که شوهرم برای کار به روستا می‌رفت، من با یک بچه کوچک در رشت بودم و برای این که نفت کمتری مصرف کنم، اما گرم شوم، ورزش می‌کردم ولی همه اینها خود زندگی بود. الان همه جوان‌ها فکر می‌کنند شروع زندگی با یک آپارتمان، ماشین، شغل خوب و درآمد مکفی است، ولی ما فکر کردیم باید زندگی را بسازیم و ساختن زندگی از نداشتن و سختی و مبارزه می‌گذرد. الان تلاش افراد به‌خصوص در شهر منجر به این می‌شود که ممثلا ماشین بخرند؛ چون می‌بینند همکارشان یا ماشین به محل کار می‌آید و چرا آنها این امکان را نداشته باشند. در حالی که ما برای حداقل چیزها باید مبارزه می‌کردیم و برای همین قدر هم چیزهایی که داریم را می‌دانیم.

ما بلد نبودیم با روستایی‌ها کنار بیاییم، اما این کار را یاد گرفتیم. زبان مردم این جا تالشی است و من این زبان را بلد نبودم، اما یاد گرفتم.

> **ما بلد نبودیم با روستایی‌ها کنار بیاییم، اما این کار را یاد گرفتیم. زبان مردم این جا تالشی است و من این زبان را بلد نبودم، اما یاد گرفتم. چون برای برقراری ارتباط با آنها باید با زبان خودشان صحبت می‌کردم**

چون برای برقراری ارتباط با آنها باید با زبان خودشان صحبت می‌کردم، الان همه مردم منطقه مرا به عنوان نماینده زن تالش می‌شناسند؛ چون توانستم با آنها ارتباط بسیار نزدیکی برقرار کنم، آنها را شنیدم، با آنها زندگی کردم و حرف زدم.

**چه فعالیت‌های کشاورزی در منطقه انجام دادید و نتیجه فعالیت‌های شما چه بود؟**

وقتی ما به روستا آمدیم کشاورزی بسیار ابتدایی و عقب‌افتاده انجام می‌شد؛ مثلا خزانه‌های غیرعلمی گرفته می‌شد، بذر بسیار مصرف می‌شد و به‌طور کلی شخم و مدیریت مزرعه، بسیار عقب‌افتاده بود. اولین چیزی که به نظر ما رسید این بود که باید کشاورزی مبتنی بر دانش را ایجاد کنیم. به همین منظور به دنبال یادگیری کشاورزی علمی رفتیم و با مراکز علمی کشاورزی ارتباط گرفتیم. چندین سال متوالی به خاطر خشکسالی، دچار سوخت شدیم و مزرعه‌مان نابود شد و فکر کردیم باید تغییری در مدیریت کاشت، برداشت و مدیریت آب بدهیم و به همین دلیل مزرعه را تسطیح کردیم.

**کشاورزان منطقه فکری کردند مادیوانه هستیم**

دولت گفته بود کشاورزها زمین‌هایشان را تسطیح کنند و ما این ریسک را پذیرفتیم؛ در حالی که هیچ‌کس به این مسأله توجهی نمی‌کرد. آن موقع حتی تسطیح هم علمی نبود، اما الان که مزارع را تسطیح می‌کنند دیگر منطقه باتلاقی نمی‌شود و کشت خوبی در آن انجام می‌شود، اما آن موقع با تراکتورهای سنگین می‌آمدند و مزارع را خراب می‌کردند. به‌طوری که هیچ زنی نمی‌توانست نشاء کند و ما از نیروی مردان استفاده کردیم؛ برای این که تا کمر در گل فرو می‌رفتند. به هر حال، این ریسک را پذیرفتیم؛ چون می‌خواستیم مدیریت آب داشته باشیم. ما پذیرفتیم که باید نوگرایی کنیم. تمام کشاورزان اطراف می‌گفتند اینها دیوانه هستند و مزرعه‌شان را از دست داده‌اند. اما چون از شهر آمده‌اند به این شکل خودنمایی می‌کنند. اما الان چندین سال است که همه کشاورزان مزرعه‌شان را تسطیح کرده‌اند؛ چون به‌درستی کار پی بردند.

**به جای خرید زمین و آپارتمان، ماشین آلات کشاورزی می‌خریدیم**

ما اولین کشاورز منطقه بودیم که از تراکتور برای شخم مزرعه استفاده کردیم و این تراکتورهای کوچکی که برای شخم مزرعه وارد شد را خریدیم. حتی وارد کننده این تراکتور نمی‌دانست چگونه با آن کار کند یا اگر خراب شد چگونه آن را تعمیر کند. پسر من که تحصیلات ماشین آلات کشاورزی دارد، طرز کار و تعمیر این تراکتور را به بقیه یاد داد. ما سرمایه اندکی که به دست می‌آوردیم را به‌جای خرید زمین و آپارتمان، صرف خرید ماشین آلات کشاورزی می‌کردیم. همه به ما می‌گفتند عقل ندارید که در روستا سرمایه‌گذاری می‌کنید، اما سرمایه‌گذاری یعنی عقبه؛ شما چه در خانواده، چه در شهر و چه در سرزمینی که در آن زندگی می‌کنید تاریخی دارید و باید باتوجه به این عقبه سرمایه‌گذاری کنید نه از صفر.

**مکانیزه کردن کشاورزی**

مانشای برنج را به سمت مکانیزه شدن پیش بردیم و یک دستگاه نشای برنج خریدیم. به تدریج به سمت کشاورزی مکانیزه رفتیم و مؤلفه‌های محیط‌زیستی را در کشاورزی پیاده کردیم و کشاورزی بدون تخریب و بدون سم و کود را پیگیری کردیم. من بیش از ۱۲ سال است که از سم کرم ساقه‌خوار اصلا استفاده نمی‌کنم، بلکه مبارزه بیولوژیک می‌کنم. در بخشی از مزرعه هم اصلا کود شیمیایی نمی‌زنم. ما کشتمان را به سمت استفاده از ابزار بردیم تا مصرف بهتر از نهاده‌ها و نیروی کار داشته باشیم.

**در حال حاضر وضع اشتغال زنان منطقه روستایی که شما زندگی می‌کنید، چگونه است؟ تلاشی برای حل مشکلات آنها کرده‌اید؟**

افتخاح است. مسأله ما این است که کشاورزی یک اشتغال است، اما دیگر یک ارزش نیست و کسی دوست ندارد کشاورزی کند. الان چیزی که در جامعه تبلیغ می‌شود این است که همه باید پشت میز بنشینند و شیک باشند. ما از تباط از گانیک خود را با طبیعت از دست داده‌ایم. برای همین اگر یک درخت را ببرند، کک هیچ‌کس نمی‌گزد یا اگر در بهترین نقاط جنگلی یک کارخانه درست کنند، برای هیچ‌کس اهمیتی ندارد. مردم فکر می‌کنند از کشاورزی که پول درنمی‌آید. برای همین همه دلالی می‌کنند و هیچ‌کس به فکر تولید نیست. الان همه مصرف‌گرا شده‌اند و خانم‌ها هم که سبیل مصرف هستند؛ انواع وسایل خانه که ساخته می‌شود برای خانم‌هاست.

من فعالیت اجتماعی دارم و رئیس هیات‌مدیره چندانجمن و شرکت هستم، اما همیشه به خانواده‌ام هم رسیده‌ام و هیچ‌وقت غذا از بیرون نیاورده‌ام. نه این که بگویم وظیفه یک زن خانه‌داری است، اما برای این که اعتباری به‌عنوان یک زن توانمند داشته باشم از همه توانم استفاده می‌کنم؛ چون هر مبارزه‌ای تاوانی دارد و تاوان مبارزه برای این که یک زن خودش را اثبات کند، قبول مسئولیت است. تا وقتی شما قبول مسئولیت کارهای خوب و بدت را نکنی نمی‌توانی سرفراز باشی من سعی می‌کنم مسئولیت‌های اجتماعی که خودم خواسته‌ام برعهده بگیرم را به نحو احسن انجام بدهم.

**تا به‌حال با این حجم زحمت و فعالیت، در فعالیت کشاورزی خود برای چند نفر کار ایجاد کرده‌اید؟**

کارهای خدماتی و تولیدی این گونه است که باید تعداد کارگرها را زیاد کنی، اما در کشاورزی باید تعداد نیروها را کم کنی؛ چون هزینه‌ها پایین می‌آید. متلا سال‌های اولی که کار را شروع کردیم ۴۰ نفر نیروی زن و مرد داشتیم، اما وقتی ماشین‌آلات وارد کار کشاورزی شد، از نیروی انسانی ما کاسته شد، اما در هر حال هر کار تولیدی به نیروهایی احتیاج دارد و ما با حداقل نیروها کارهایمان را انجام می‌دهیم. متلا در بخش خزانه‌گیری با ۴ کارگر کارمان را پیش می‌بریم.

**تلاش ویژه‌ای انجام داده‌اید برای این که زنان منطقه را به کار بگیرید؟**

راستش را بخواهید، خیر. البته، چند پروژه توانمندسازی جامعه محلی در منطقه در حال اجرا توسط زنان و جوانان حافظ محیط‌زیست است که من رئیس هیات‌مدیره آن هستم. قبلا هم برای اشتغال و حفاظت از جنگل در همین منطقه تلاش کار گاه‌های توانمندسازی برقرار و الگوسازی کردیم. تا خانم‌ها تعاونی درست کنند و از توانمندی‌های خودشان استفاده کنند، اما چون بودجه‌هایی که برای کارگاه‌های آموزشی و پیگیری طرح‌ها گذاشتند اندک بود، نتوانستیم پروژه‌ها را به دلیل بعد مسافت و هزینه‌های تحمیلی ادامه دهیم. ما این کارها را انجام داده‌ایم، اما نمی‌توانم بگویم تعمیق شده است. الان تمام توجه دختران و زنان به این نکته است که استخدام شوند و از روستا بیرون بیایند و در شهر زندگی کنند؛ چون فکر می‌کنند کسرشان شان است که از آنها بپرسند کجا زندگی می‌کنی و آنها بگویند روستای فلان.

---

## جهان داوطلبی

### دست‌بخشنده محیط‌بانان ایران در ماه مبارک رمضان

با همت محیط‌بانان خیر تعدادی از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست از مراکز نگهداری حیوانات و موزه‌ها دیدن کردند.

در این برنامه که به ابتکار خیریه خانواده بزرگ سلام و با همکاری دانشگاه محیط‌زیست و گروه محیط‌بان سلام برگزار شد، تعدادی از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست ۵ تا ۱۲ سال مراکز بهزیستی و بنیادهای خیریه تهران از جمله شیرخوارگاه حضرت رقیه، کودکان سرزمین من، جمعیت امام علی و... طی چند روز از موزه تاریخ طبیعی ایران و دارآباد دیدار کردند و علاوه‌بر دیدن حیوانات تاکسیدرمی شده، گیاهان و... حیوانات کوچک زنده را لمس و درک جدیدی از مفهوم حیات‌وحش و آفریده‌های پرورد گار را تجربه کردند.

باتوجه بازخورد خوب این برنامه از سوی دوطرف، مقرر شد این پروژه به‌صورت سراسری پیگیری شود.

این گروه پیش از این نیز فعالیت‌های مشابهی مانند اهدای خون به مناسبت روز هوای پاک، غبارروبی از قبور شهدای محیط‌بان در سراسر کشور و کمک به کودکان بی‌پناهت به مناسبت اعیاد مذهبی را ساماندهی کرده‌بود.

### دوستداران محیط‌زیست عقاب‌ها را تحویل شکارباني کهگیلویه دادند

رئیس اداره محیط‌زیست کهگیلویه گفت: سه پهله عقاب از خانواده باز شکاری از سوی دوستداران محیط‌زیست تحویل این اداره شد. سیدقدرت علی‌پور افزود: در پی فراخوان این اداره مبنی بر جرم‌بودن هرگونه نگهداری گونه‌های حیات‌وحش از جمله پرندگان نادر در منزل، این تعداد عقاب به این اداره تحویل شد.

وی به اهمیت گونه‌های عقاب اشاره کرد و افزود: هر سه عقاب آسیب‌دیده هم‌اکنون در محوطه این اداره نگهداری می‌شوند و بال یکی براثر اصابت گلوله از سوی افرادی توجه به حفظ گونه‌های محیط‌زیست شکسته شده است.

علی‌پور برلزوم همکاری مردم در صیانت از گونه‌های جانوری و پرندگان حیات‌وحش افزود: نگهداری هر برنده در منزل حدود ۶۰۰ هزار ریال جریمه دارد و مردم نیز باید هرگونه نگهداری گونه‌های حیات‌وحش را به محیط‌زیست اطلاع دهند.

این کارشناس محیط‌زیست همکاری رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی در زمینه جلب مشارکت همگانی در حفظ محیط‌زیست را موثر دانست و تصریح کرد: فرهنگ مشارکت مردمی در صیانت از محیط‌زیست رو به افزایش است.

### دو شکارچی مهابادی با شکار خدا حافظی کردند

دو شکارچی پرنده در شهرستان مهاباد با تحویل پرندگان شکاری برای همیشه با شکار خداحافظی کرده و به جمع دوستداران محیط‌زیست پیوستند.

رئیس اداره حفاظت محیط‌زیست مهاباد در این خصوص گفت: این دو شکارچی کبک، با مراجعه به اداره حفاظت محیط‌زیست مهاباد ضمن پشیمانی و اظهار ندامت از شکار، از این اداره خواستند تا پرندگان شکار شده خود را رهاسازی کنند.

کامران حسینی اضافه کرد: این شکارچیان با تحویل چهار قطعه کبک شکار شده خود به این اداره ضمن آن که برای همیشه با شکار خداحافظی کردند به جمع دوستداران طبیعت در این شهرستان پیوستند.

وی اظهار کرد: در یک ماه اخیر برای سومین بار است که شکارچیان این شهرستان ضمن پشیمانی از شکار با مراجعه به این اداره کبک‌های شکاری خود را تحویل می‌دهند و در این مدت بیش از ۶۰ قطعه کبک رهاسازی شده است.

حسینی با قدردانی از این شکارچیان که به جمع همیاران جدید طبیعت و محیط‌زیست پیوستند، ادامه داد: برای نگهداری و حفاظت از محیط‌زیست، اقشار مختلف مردم باید تلاش کنند تا این گنجینه گرانبها به خوبی حفظ و به نسل‌های آینده تحویل داده شود.

وی اضافه کرد: نگهداری پرندگان وحشی در محیط‌های خارج از طبیعت باعث آسیب‌زدن به نسل گونه‌های پرندگان و از بین رفتن قدرت باروری آنها می‌شود و بسیاری از گونه‌های پرندگان پس از جدایی از طبیعت و حتی بازگشت دوباره نیز نمی‌توانند زندگی طبیعی خود را به دست آورند.

---

## تجربه دیگران

بنیاد رفاه اودان در هند

### ارایه خدمات عمومی ادای دین به جامعه است

**تاریخ سمن‌ها در هند بسیار طولانی، درخشان و غنی است. تعداد کل سازمان‌های داوطلبانه در هند بین یک تا دومیلیون سازمان تخمین‌زده می‌شود. این تعداد، هم شامل سازمان‌های محدود به یک روستای کوچک می‌شود و هم شامل سازمان‌های بسیار بزرگ که به صدهاهزار نفر در چندین و چند استان خدمات‌رسانی می‌کنند. بنیاد رفاه اودان در سال ۲۰۰۸ به‌عنوان یک سمن خیریه در هند به ثبت رسید. ۴۱ نفر از متخصصان و تحصیلکردگان هندی اولین مؤسسان این بنیاد بودند و در حال حاضر شمار وسیعی از متخصصان، از قبیل پزشکان، متخصصان تغذیه، متخصصان امور مالی، حسابداران، مدیران رده بالا و میانی، متخصصان تعلیم و تربیت، هنرپیشگان و... در این بنیاد فعال‌اند و همگی با این هدف آغازیه کار کرده‌اند که دین خود را به جامعه، از طریق ارایه خدمات عمومی ادا کنند. زمینه کار تخصصی این سمن، سلامت، آموزش و حفظ محیط‌زیست اعلام شده و گروه هدف آن نیز زنان، کودکان و شهروندان بزرگسال است. تعدادی از برنامه‌های این بنیاد به شرح زیر است:**

در این برنامه که در سال ۲۰۱۰ با همکاری مرکز کمک به بیماران سرطانی برگزار شد، بنیاد اودان یک برنامه اطلاع‌رسانی در زمینه سرطان دهانه رحم و سینه را به اجرا گذارد در این برنامه متخصصان برای بیش از ۱۵۰ نفر از زنان درباره سرطان پستان و سرطان دهانه رحم که قاتل زنان خوانده می‌شود و دومین عامل اصلی مرگ‌ومیر زنان در سطح جهانی است، صحبت کردند.

**برنامه شناسایی کم‌خونی**

در یک روستا در استان ماهاراشترا در سال ۲۰۰۹، بین صد زن روستایی مبتلا به کم‌خونی، قرص آهن و کلسیوم رایگان به مدت سه ماه توزیع شد. همچنین در این برنامه دکتر پرنجالی نات که یکی از متخصصان مشهور تغذیه در هند است، برای زنان درباره پخت‌وپز سالم، سخنرانی کرد.

**برنامه شناسایی دیابت**

در روستای کوکایپاداد در سال ۲۰۰۹، ۴۶ زن مورد آزمایش قرار گرفته و ۴ نفر دارای دیابت تشخیص داده شدند.

**برنامه شناسایی سرطان**

در سال ۲۰۰۹، ۴۶ زن در کوکایپاداد با همکاری سمن واسانتا که اختصاصا در زمینه سرطان فعالیت می‌کند، مورد آزمایش سرطان قرار گرفتند. خوشبختانه هیچ مورد مبتلا به سرطان دهانه رحم، دهان یا پستان شناسایی نشد.

**برنامه رفاه زنان**

در سال ۲۰۰۸، این مرکز برنامه‌های متعدد توانمندسازی برای زنان برگزار کرد که در مجموع ۴۶۰ زن را منتفع کرد. این برنامه‌ها به اطلاع‌رسانی در زمینه بیماری‌های ناشی از سبک زندگی ناسالم مانند اختلال تیروئید و پوکی استخوان پرداختند. همچنین برنامه‌های کنترل سلامتی و انجام آزمایش‌های تشخیصی نیز برگزار شد که در این برنامه‌ها حدود ۳۰ نفر از شرکت‌کنندگان مبتلا به اختلال در کار کرد تیروئید تشخیص داده شدند.

**پروژه ذخیره آب باران**

این طرح عمرانی کشاورزی با همکاری سمن‌های فعال در زمینه کشاورزی در سال ۲۰۱۱ انجام شد و طی آن تأسیسات لازم برای ذخیره‌سازی آب باران‌های موسمی هند (مانسون) فراهم آمد. تخمین زده می‌شود که درنتیجه انجام این طرح، چیزی در حدود ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلیون لیتر آب طی مانسون سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ ذخیره شده است. این مقدار آب برای کشاورزی در زمینی به مساحت بیش از ۲۶۳ هزار مترمربع کارآمد خواهد بود. ذخیره این مقدار آب طی یک‌سال باعث تغییرات قابل‌توجهی در منطقه‌ی شود.

**برنامه درختکاری کودکان**

بعد از کسب موفقیت در زمینه تولید منابع بزرگی از آب، لازم بود که آب حاصل شده را برای آبیاری به کار برده و همچنین از طریق کشت و کار به غنای خاک کمک کنند. در اوریل ۲۰۱۱ اودان با همکاری کودکان یک طرح درختکاری را به اجرا گذاشت. این طرح تعمدا با هدف انتقال فرهنگی زیست‌محیطی به نسل بعدی، با مشارکت کودکان منطقه انجام شد. ۵۰ کودک از یک مدرسه دولتی در این برنامه مشارکت کردند. در این برنامه ۲۰۰ درخت میوه و دیگر انواع درختان کاشته شد.

**برنامه گردش محیط‌زیستی**

بنیاد اودان در ژانویه ۲۰۱۱ یک برنامه گردش محیط‌زیستی با حضور ۴۸ کودک بی‌سرپرست برگزار کرد. مقصد نیساگایان بود. یک مرکز پیشرفته آموزش‌های محیط‌زیستی در این برنامه کودکان اطلاعات زیادی درخصوص گیاهان و درختان منطقه، ویژگی‌های پوشش گیاهی و خاصیت این گیاهان برای انسان دریافت کردند.